

# سازمان تجارت جهانی

## تحدید حاکمیت، تعدیل سیاست خارجی

● کاظمعلی آریانفر

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

■ سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

■ مهدی فاخری

■ انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

■ ۱۳۸۲، ۲۴۴ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۱۰۰ تومان



تأثیر پذیرد. چنانچه حاکمیت ملی خود را با پدیده جهانی شدن اقتصاد وفق ندهد با مشکلات اقتصادی و رکود اقتصادی و کاهش درآمد سالانه ملی روبرو خواهد شد.

در عرصه جهانی شدن اقتصاد، گسترش وابستگی متقابل پیچیده نشانگر تغییر ماهیت سیاست جهانی است به این معنا که جایگاه و قدرت دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین عنصر تحلیل در سیاست خارجی تغییر کرده است. آنچه سیاست خارجی کشورها را مورد چالش قرار داده است و آنها را مجبور به بازتعریف مؤلفه‌های نظام بین‌المللی در اتخاذ سیاست خارجی می‌کند وضعیتی است که اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر آنها تحمیل می‌کند. حقیقت این است که نظام کشور محوری به شدت تحت‌الشعاع اقتصاد جهانی مبتنی بر اقتصاد بازار جهانی به وجود آمده است که این خود مشکل اصلی «اقتصاد بین‌الملل» برای کشورهاست.<sup>۲</sup>

وضعیت نظام بین‌المللی به گونه‌ای است که اگر کشوری بخواهد به عنوان یک قدرت و یا بازنگری منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود، ناگزیر است در امور داخلی و روابط خارجی، فرمهای جهانی شدن را با اکراه و اجبار بپذیرد. شاید مشکلات اقتصادی ایران نیز سیاسی باشند. با توجه به گستره و حجم امنیتی جمهوری اسلامی از محیط بین‌المللی و تا اندازه‌ای از محیط داخلی، بازکردن فضای کشور و سیر حتی تدریجی به طرف غیر دولتی شدن اقتصاد عواقب مهمی از نظر دولت و حکومت مرکزی خواهد داشت و امکان دارد جریان‌ات غیردولتی و شاید خارجیهای سهمیه در اقتصاد ایران خواسته‌ها و اولویتهایی را مطرح کنند که با جهت‌گیری و ماهیت نظام سیاسی تطابق نداشته باشد.

نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت خود و نیز مسائل تاریخی که بر ذهن رجال آن سایه افکنده به گونه‌ای می‌خواهد عمل کند که از طرفی یک حکومت عادی باشد و با جهان مراوده داشته باشد و از طرف دیگر همزمان با مراکز قدرت و صاحبان زور و امکانات مبارزه کند و

امروزه یکی از مسائل مورد توجه ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، موضوع تضعیف حاکمیت ملی است. اصولاً وقتی پیامدهای سیاسی و حقوقی جهانی شدن اقتصاد مورد بحث واقع می‌شود، نگاه‌ها عمدتاً به آثار این پدیده در رابطه با حاکمیت ملی معطوف می‌گردد.

در بعد اقتصادی، عضویت دولت‌ها در سازمان تجارت جهانی و سازمان‌های مشابه به منزله محدود کردن ابعادی از حاکمیت ملی در سطح بین‌المللی است که به موجب آن دولت‌ها ملزم به تغییر قوانین مالیاتی و مالی و حذف تعرفه‌ها و مالیاتهای غیرضروری و آزادی واردات کالاهای خارجی می‌شوند. حال اگر فرض کنیم دولتی بخواهد براساس تلقی سنتی خود از حاکمیت ملی و براساس اصل عدم دخالت دیگران در امور خود، روابط اقتصادی بین‌المللی خود را قطع یا محدود کند و حاضر به عضویت در سازمان جهانی تجارت نباشد به طور قطع در اداره امور کشور با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌گردد. زیرا در آن صورت کالاهای ساخت آن کشور با محدودیتهای وارداتی یا احتمالاً بایکوت سایر دولت‌ها مواجه خواهد شد و یا در صورت ملایم‌تر آن، صادرات کالاهای آن کشور با پرداخت درصد بالایی عوارض گمرکی در قلمرو سایر دول انجام می‌گیرد. چنین وضعیتی نهایتاً منجر به محدودیت صادرات و عدم سوددهی و عدم کارایی صادرات خواهد شد.<sup>۱</sup>

تأثیرات منفی جهانی شدن اقتصاد در بعد بین‌المللی نیز به صورت دیگری بروز می‌کند. پیوندی که جهانی شدن اقتصاد در بین دولت‌ها ایجاد می‌کند، گاهی بحران اقتصادی را در سطح یک کشور یا یک منطقه از جهان به سرعت به سایر کشورها منتقل خواهد کرد. برای مثال بحران در آسیای شرقی و جنوب شرقی و یا حوادث بعد از یازده سپتامبر تأثیر داخلی و اثرات منفی آن بر اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد.

حاکمیت ملی در عرصه داخلی هم می‌تواند از جهانی شدن اقتصاد

## جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد هم عضو گات و سازمان جهانی تجارت شود که قاعده‌سازان روابط اقتصادی جهان و تحت‌الشعاع منافع غرب و به خصوص هفت کشور صنعتی هستند و در عین حال با همان هفت کشور صنعتی به لحاظ سیاسی و فلسفی، در حالت تقابل باشد

در بیرون از مرزهای خود در پی عدالت باشد.<sup>۲</sup>

جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد هم عضو گات و سازمان جهانی تجارت شود که قاعده‌سازان روابط اقتصادی جهان و تحت‌الشعاع منافع غرب و به خصوص هفت کشور صنعتی هستند و در عین حال با همان هفت کشور صنعتی به لحاظ سیاسی و فلسفی، در حالت تقابل باشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران خواسته است میان عملکرد بیرونی و داخلی خود تفاوت قائل باشد.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر هم می‌خواهد از امکانات موجود جهانی بهره‌برداری کند و هم سیاست خارجی ایدئولوژیک داشته باشد و نظم موجود جهان و ساختار غربی - استکباری آن را زیر سؤال ببرد.

کتاب سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نوشته مهدی فاخری در تلاش است تا آثار ورود ایران به این سازمان مهم و فعال جهانی را از منظر حاکمیت ملی و به تبع آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی به بحث و بررسی بگذارد. نویسنده کتاب در مقدمه انگیزه نگارش این اثر را امکان و میزان اثرگذاری سیاست خارجی کشور پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌داند و از جمله افرادی است که اعتقاد دارد پروسه جهانی شدن باعث ایجاد بازیگران جدید شده و در نتیجه حاکمیت دولتها را تحت‌الشعاع قرار داده یا شکل آن را تغییر خواهد داد. لذا در ارتباط

با این عقیده فرض اصلی کتاب بر این است که عضویت در WTO بر تصمیم‌گیری

و اجرای سیاست خارجی اثر می‌گذارد، حاکمیت تغییر خواهد کرد اما دولت

به عنوان بازیگر اصلی باقی خواهد ماند. وی با اشاره به

اینکه مطالعات قبلی بیشتر جنبه‌های اقتصادی و تجاری

عضویت در سازمان جهانی تجارت را نشان داده و

کمتر از اثرات آن بر سیاست خارجی بحث به میان آمده

است، تلاش می‌کند تا در کار مطالعاتی خود بیشتر به

آثار سیاسی جهانی شدن بپردازد. وی در بخش

آغازین کتاب خود به مباحث عام در مقوله

سازمان تجارت جهانی و اصول و قواعد آن

و از همه مهم‌تر روند

تشکیل آن در بطن جهانی شدن می‌پردازد.

این بخش به طور مجزا پنج فصل از کتاب را دربر می‌گیرد. نویسنده فصل نخست کتاب خود را به بحث جهانی شدن و مفهوم آن اختصاص داده است. (۱۵-۲۸) وی تحول تاریخی پدیده جهانی شدن را از دوران ظهور رنسانس تا سالهای اخیر به همراه چالشها و موانع و همچنین عوامل تسریع‌کننده آن مورد بررسی قرار می‌دهد و یادآوری می‌کند که جهانی شدن پس از طی مراحل ابتدایی و میانی، از اقتصاد، به سیاست و فرهنگ تسری یافته است و جهانی شدن به جایی رسید که طرفدارانش، آن را آسانسور سریعی می‌دانند که در یک چشم به هم زدن انسان را به صلح و آرامش می‌رساند و مخالفینش آن را مسبب فقیرتر شدن فقرا و غنی‌تر شدن اغنیا دانسته و تخریب محیط‌زیست و استثمار مدرن را به آن نسبت می‌دهند و خواستار اتخاذ تصمیمات جدی برای جلوگیری از گسترش آن هستند (ص ۲۰). در همین بخش آمده است روند جهانی شدن از کشورهای توسعه یافته و ثروتمند گروه ۸ آغاز گردید و در بین آنها نیز آمریکا بیشترین نقش را بر عهده داشته است و اکنون جهانی شدن آنقدر توسعه یافته است که دیگر هیچ کشوری و یا جمع خاصی از آنها به تنهایی امکان کنترل این روند را ندارند و صاحب نظران بر این باورند که نقش دولتها و حکومتها در کنترل اقتصاد و سیاست جهانی ناچیز است و این شرکت‌های چند ملیتی‌اند که بیشترین میزان کنترل را داشته‌اند و بعد از آنها نیز سازمان‌های بین‌المللی مانند WTO در این کنترل سهیم‌اند.

در فصل دوم، مذاکرات تجارت

بین‌الملل بررسی می‌شود. (ص ۴۰-۲۹). بعد از جنگ جهانی دوم

تلاشها برای تأسیس یک سازمان بین‌المللی تجارت که به توافق

اکثر دولتها برسد (کنفرانس هاوانا) راه به جایی نبرد، تنها «گات»

که به عنوان قرارداد موقتی در فصل چهارم منشورهاوانا منظور

شده بود به عنوان یادگار این کوششها به موجودیت

خود ادامه داد. از جمله اصلی‌ترین فعالیت‌گات

کاهش تعرفه‌های گمرکی به عنوان مانع بر سر

راه واردات و صادرات کشورها بوده است.



## ادغام اقتصادها و تکنولوژیها و افزایش اطلاعات مردم از حقوق خود و طرح تقاضای جدی تر از سوی آنها که از توان حکومتها خارج است، از یک طرف باعث کاهش مشروعیت دولتها گردید و از طرفی این آگاهیها نیاز مردم به حکومتها را کاهش داد تا جایی که «سوزان استرنج» در این رابطه از فرسایش اقتدار دولت سخن می گوید

توسعه یافته عمدتاً برای استفاده مطلوب از مزایای سازمان تجارت جهانی توان ناچیزی دارند. برخی کشورها (مانند ۱۹ کشور از ۴۲ کشور عضو) حتی یک نماینده نیز در مقر سازمان تجارت جهانی در ژنو ندارند، این خود حاکی از مشکلات بزرگ این گونه کشورهاست. نویسندگان برخی از کمبودها را ناشی از سطح توسعه آنها و مسائل ساختاری این کشورها می دانند و گروهی دیگر از دلایل را متأثر از روح حاکم بر WTO، نداشتن موضوع واحد، فاقد رهبری مشخص بودن و موافقت نامه های منعقد، تعهدات کشورها، روند تصمیم گیری و اجرا در داخل سازمان برمی شمرد.

مؤلف در بخش دوم کتاب و در واقع مهم ترین بخش آن، به بررسی سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی ایران می پردازد. این بخش، از فصول ششم تا دهم را شامل می شود. در فصل ششم نویسنده، پدیده های سیاسی را در تقویت جهانی شدن اقتصاد بی تأثیر نمی داند و تأکید می کند پدیده های سیاسی باعث شده اند جهانی شدن، تعاملات سیاسی داخل کشورها و بین کشورها را تحت تأثیر قرار دهد (ص ۲۱). از جمله این پدیده ها می توان به اصلاحات اقتصادی چون اوایل دهه ۸۰، روی کار آمدن گورباچف و اضمحلال شوروی، خاتمه یافتن خصومتها در خلیج فارس و کنفرانس مادرید اشاره نمود.

ادغام اقتصادها و تکنولوژیها و افزایش اطلاعات مردم از حقوق خود و طرح تقاضای جدی تر از سوی آنها که از توان حکومتها خارج است، از یک طرف باعث کاهش مشروعیت دولتها گردید و از طرفی این آگاهیها نیاز مردم به حکومتها را کاهش داد تا جایی که «سوزان استرنج» در این رابطه از فرسایش اقتدار دولت سخن می گوید و گروهی دیگر از جمله «جیمز روزنا» و «جان راگی» تردیدهای جدی درباره امکان ادامه حیات یا انسجام دولت - ملتها مطرح کرده اند. اما متقابلاً افرادی مانند «هابرماس» و «مان و شاو» از تداوم حاکمیت و اقتدار حکومتها دفاع نموده اند. نویسندگان نیز با توجه به مفاهیم به کار رفته در کتاب به نوعی با نظریه اخیر موافق است چرا که معتقد است حاکمیت دولتها نه از بین می رود و نه حتی فرسوده می شود. دولتها با همان اقتدار گذشته به اعمال حاکمیت خود ادامه می دهند و فقط شکل

در فصل سوم، نویسنده مذاکرات دور اروگوئه و بیانیه مراکش را مورد توجه قرار می دهد (۵۳-۴۱). وی در این فصل اشاره می کند که موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۶ هفت دور مذاکرات بین اعضا را پشت سر گذاشت، هشتمین دور از مذاکرات آن که به نام دور اروگوئه معروف می باشد در سال ۱۹۸۶ در «پونتال استه» اروگوئه برگزار شد. در این دور از مذاکرات برای اولین بار مالکیت معنوی در مفاد (مذاکرات) گنجانده شد. همچنین کشورهای عضو گات پس از هشت سال مذاکرات فشرده و طولانی (۱۹۹۴ - ۱۹۸۶) سرانجام به جامع ترین و گسترده ترین توافق در زمینه آزادسازی تجارت دست یافتند. در سند نهایی دور اروگوئه که در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش به امضای وزیران کشورهای عضو رسید، سازمان جهانی تجارت به وجود آمد.

فصل چهارم؛ به اصول و مقررات حاکم بر سازمان

جهانی تجارت می پردازد (۱۰ - ۵۳). در اینجا

نویسنده تأکید می کند هدف اصلی سازمان

دستیابی به تجارت آزاد در سطح جهان

است، لذا کلیه اقداماتی که بتواند

در زمینه «آزادسازی تجاری»

مؤثر واقع شود جزئی از برنامه

کاری سازمان خواهد بود

(ص ۵۳). بدین منظور سه

اصل مهم بر سازمان حاکم

گردیده است که عبارتند

از: ۱- «اصل عدم تبعیض»

که خود دارای دو بعد خارجی

و داخلی است، شامل «اصل

دولت کامله الوداد» و «اصل

رفتار ملی». ۲- «اصل شفافیت»

یعنی شفافیت در مقررات، سیاستها،

شفافیت در نحوه اجرا و شفافیت در تبعیت

از مقررات و ضوابط سازمان جهانی تجارت از

سوی اعضای مورد احترام قرار گیرد و بالاخره

۳- اصل تعرفه ای کردن به عنوان تنها عامل

کنترل تجارت خارجی.

فصل پنجم، به نتایج عضویت در WTO

برای کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد

(ص ۱۱۸ - ۱۰۱). در بین ۱۴۵ کشور عضو

سازمان جهانی تجارت، ۷۵ کشور در حال توسعه،

۲۹ کشور کمتر توسعه یافته و ۹ کشور با اقتصاد

در حال گذارند. کشورهای در حال توسعه و کمتر



## نویسنده انگیزه اصلی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت را میل هر کشور به ایفای نقش در سازمانی می‌داند که در آن تصمیمات کلیدی و مذاکرات مؤثر بر تجارت بین‌الملل اتخاذ و اجرا می‌گردد. لذا ضروری است سیاست خارجی کشور برای ورود به سازمان جهانی تجارت آمادگی داشته و سناریوهای مختلفی را مورد مطالعه قرار دهد

تعیین مراحل مختلف الحاق و برنامه‌هایی که می‌باید در هر مرحله اجرا گردد، شناسایی و طبقه‌بندی ابزار موجود، روش‌های مذاکره، ایجاد اتحادها و ائتلافها، تطبیق قوانین و غیره موضوعاتی‌اند که در ارتباط با دیپلماسی تجاری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. (ص ۲۱۲)

به عقیده نویسنده آغاز الحاق، سیاست خارجی کشور را در تعامل بالایی با سایر بازیگران بین‌المللی قرار خواهد داد و نتیجه بلندمدت آن افزایش حضور در روند تخصیص منابع، قدرت و پرستیژ بین‌المللی است.

### نتیجه‌گیری:

به طور اجمالی می‌توان مباحث این کتاب را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- سازمان جهانی تجارت عمدتاً در جهت منافع کشورهای توسعه یافته بوده و ممالک در حال توسعه نتوانسته‌اند به بخش قابل توجهی از اهداف خود دست یابند، چرا که اولاً تدوین موافقت‌نامه بیشتر براساس مشارکت و منافع دول توسعه یافته شکل گرفته و ثانیاً امتیازات محدود در نظر گرفته شده برای ممالک در حال توسعه اجرا نمی‌شود.
- ۲- به رغم بی‌عدالتیهای موجود در سازمان جهانی تجارت، کشورهای در حال توسعه عدم حضور خود در سازمان را به منزله دورماندن از روند تصمیم‌گیری در زمینه تجارت و اقتصاد بین‌المللی تلقی می‌کنند.
- ۳- تصمیم‌گیری در مورد عضویت یا عدم عضویت یک کشور ماهیتاً سیاست خارجی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نظریات و منافع متفاوت و بعضاً متعارض که در این زمینه وجود دارد هم مبانی نظری و هم الگوی رفتار سیاست خارجی را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.
- ۴- کشورهای صادرکننده نفت و گاز باید در زمان تدوین دیپلماسی تجاری خود توجه زیادی به بخش انرژی داشته باشند. تدوین دیپلماسی تجاری با محوریت انرژی و هماهنگی مواضع با سایر کشورهای صادرکننده نفت و گاز وظیفه مهمی است که به عهده دستگاه‌های اجرای سیاست خارجی گذاشته خواهد شد.

### پی‌نوشت:

- ۱- منوچهر توسلی نایینی، «جهانی شدن اقتصاد و حاکمیت ملی» فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، (تابستان ۸۴)، ص ۱۹.
- ۲- مریم کاظمی، «پیامدهای جهانی شدن بر سیاست خارجی کشورها» فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، (تابستان ۸۴)، ص ۱۷۲.
- ۳- محمود سریع‌القلم، «پارادوکس‌های کشور ما» فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، (بهار ۸۴)، ص ۹.
- ۴- محمود سریع‌القلم، «جهانی شدن حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، (تابستان ۸۴)، ص ۲۴۲.

آن دچار تغییراتی می‌گردد و این امر می‌تواند بر مشروعیت حکومتها تأثیر گذارد.

فصل هفتم به بحث در مورد چهارچوب تئوریک سیاست خارجی می‌پردازد (۱۵۵ - ۱۳۳). و نویسنده با تأکید بر تجزیه و تحلیل و درک بهتر رابطه بین سیاست خارجی و وجهه بین‌المللی آن، مواردی مانند اصول حاکم بر سیاست خارجی، عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری آن، نهادهای مسئول تصمیم‌گیری، تکنیک‌ها و ابزار مورد استفاده در اجرای سیاست‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

فصل هشتم به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سازمان جهانی تجارت اختصاص یافته است (۱۹۹ - ۱۵۵). نویسنده در این بخش با ذکر نام انقلاب‌های مهم به بررسی سیاست خارجی نظام‌های انقلابی‌ای می‌پردازد که معمولاً به دنبال جهانی کردن ارزش‌های ایدئولوژیک خود بوده‌اند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. مبانی نظری سیاست خارجی، عوامل شکل‌دهنده سیاست خارجی، الگوهای رفتاری سیاست خارجی و ساختار اجرای سیاست خارجی متأثر از ایدئولوژی اسلامی و تاریخ ایران است و این مبانی نظری را در موارد مختلف قانون اساسی به خوبی می‌توان مشاهده نمود. از این رو نویسنده با تأکید بر برخی مبانی نظری مندرج در قانون اساسی به بررسی تأثیراتی می‌پردازد که در صورت ورود ایران به روند جهانی شدن و عضویت در سازمان جهانی تجارت ممکن است صورت گیرد. دولت ایران احتمالاً در روند مذاکرات الحاق به WTO تحت فشار قرار خواهد گرفت تا مواد فوق‌الذکر از قانون اساسی را اصلاح کند (ص ۱۶۲) و این بیانگر نیاز اساسی است که تحول سیاست خارجی را به دنبال خواهد داشت.

فصل نهم، رژیم تجاری ایران و تبعات عضویت احتمالی در WTO را توصیف می‌کند؛ (۲۰۹ - ۱۹۹) به کشورهای خواهان الحاق به WTO باید روند خاصی را طی کنند و پس از پذیرفته شدن تقاضای الحاق، گزارشی درباره رژیم تجارت خارجی خود تهیه و به سازمان ارائه دهد. رژیم تجارت خارجی دربرگیرنده کلیه قوانین و مقررات بازرگانی خارجی، نهادهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی مربوط است. (ص ۲۰۱)

فصل دهم، اثرات عضویت در WTO بر روند برنامه‌ریزی سیاست خارجی را بررسی می‌کند. (۲۴۴ - ۲۰۹). نویسنده انگیزه اصلی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت را میل هر کشور به ایفای نقش در سازمانی می‌داند که در آن تصمیمات کلیدی و مذاکرات مؤثر بر تجارت بین‌الملل اتخاذ و اجرا می‌گردد (ص ۲۰۹). لذا ضروری است سیاست خارجی کشور برای ورود به سازمان جهانی تجارت آمادگی داشته و سناریوهای مختلفی را مورد مطالعه قرار دهد.

وی اضافه می‌کند این امر نیازمند هماهنگی با سایر بخش‌های اقتصادی کشور است تا بتوان پس از دستیابی به اجماع، نسبت به تدوین «دیپلماسی تجاری» کشور اقدام نمود. مطالعه دقیق درباره اهداف الحاق،